



۱۰

رضارویگری در نمایش حسن کچل بازی می‌کند

## پس از ۱۰ سال روی صحنه

با احترام برومند، به مناسبت سالروز تولد زنده یاد داوود رشیدی  
از بیکاری متنفر بود!

۱۲

درباره سرمایه‌دار جوان و تازه‌واردی که حامی مالی جشنواره‌های دولتی  
و جشن‌های خصوصی سینماست

## یک قصه تکراری

# فرهنگ

دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۳۱



پشت صحنه

### لباس بلوچی و داوود رشیدی

هر قدر تا پیش از این گروه فرهنگی، سهم زیادی در تولید سرو صدا در تحریریه داشت، حالا اما چند وقتی است که این مهم به گروه دو میز آن طرف‌تر ما یعنی گروه جامعه منتقل شده. البته نباید از این مساله غافل شد که اضافه شدن دو نیروی تازه‌نفس و جوان به این گروه هم در این مهم بی‌تأثیر نبوده. خلاصه و اجمالاً که میز فرهنگی این روزها در سکوت مشغول کارش است. صابر محمدی چشم دوخته به صفحه‌کلید و با سرعت بالا مشغول تایپ است. سازان قنبری هم هدفون در گوش مشغول پیاده کردن يك مصاحبه مفصل و الباقی بچه‌ها هم هرکدام به نوعی مشغول.

خب اجازه بدهید از يك گزارش جذاب از صفحه ۱۰ شروع کنیم. اجمالاً در جریان هستید که چند روز قبل مراسم جشن حافظ در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد. در چنین مواردی معمولاً پوشش بعضی سینماگران محل مناقشه و سوژه می‌شود که این چیست که پوشیدی و از این حرف‌ها. در مراسم امسال اما یکی دو اتفاق قشنگ افتاد. مثلاً یکی از همین که بعضی بازیگران مثل فاطمه گودرزی و امین زندگانی با لباس محلی بلوچی در مراسم حاضر شدند؛ اتفاقی که در نوع خودش هم جالب بود هم قابل تقدیر. خب سوژه را الو دادیم دیگر. همین اتفاق قشنگ باعث شد که زینب مرتضایی‌فرد برود سراغ این موضوع و راجع به این قضایا حرف بزند. گزارشش را هم استثناً تا به دلیل مفصل شدن بردیم توی صفحه ۱۰ تا مرتضایی‌فرد به خیال راحت و بدون دغدغه محدودیت فضا، روایتش را مکتوب کند.

سازان قنبری، خبرنگار پرتلاش سینمایی گروه هم که حواشی شش‌دانگ به تاریخ تولد اهالی سینماست، چند روز قبل اطلاع داده بود که این روزها (دقیقش می‌شود فردا) سالروز تولد مرحوم داوود رشیدی است. همین هم باعث شد که برود سراغ احترام برومند، همسر آن مرحوم و يك گفت‌وگوی خواندنی را تولید کند. گفت‌وگوی قنبری را می‌توانید در صفحه ۱۲ بخوانید.

سوژه داریم چه سوژه‌ای! گروه سینما به جز گفت‌وگو با احترام خانم برومند، يك گزارش خواندنی دیگر هم در صفحه ۱۱ منتشر کرده از حواشی پرسر و صدای این روزها.

سرمایه‌گذار جوانی که اسم و ردش خیلی جاها دیده می‌شود از تولید فیلم با میکرمیمی و کمال تبریزی گرفته و همچنین فروش صحت تا حمایت مالی از جشنواره‌های دولتی مثل فجر و خصوصی مثل همین جشن حافظ. خلاصه که اگر پیگیری حواشی اخیر سینما بخواهید، گزارش صفحه ۱۱ بچه‌های سینما را از دست ندهید که از کف‌تان رفته. در نهایت هم در همین صفحه رفته‌ایم سراغ اقدام اخیر استاد شفيعی کدکنی که عوايد مالی حاصل از کتاب ۳۰۰ هزار تومانی خودش را اعطا کرده به يك موسسه خیریه در مشهد.

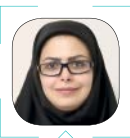
به غیر از زندگانی، نرگس آبیاری هم با لباس سنتی زنان بلوچ در جشن حافظ حاضر شد

نشان دهد «ایران سرای من است» يك عبارت ساده و معمولی و شعاری و نخ‌نما نیست که راحت آن را بر زبان بیاوریم و از کنارش به سادگی بگذریم. این عبارات را خودش به زبان می‌آورد، وقتی با او تماس گرفته و دلیل این انتخاب لباس را می‌پرسیم.

زندگانی دغدغه فرهنگ ایران را دارد و حرف‌ها و نکاتی که مطرح می‌کند نشان می‌دهد بازیگری است اهل مطالعه که انتخابی آگاهانه و هدفمند انجام داده تا با پوشیدن يك لباس بومی ایران، حرف‌های بسیاری بزند. در ادامه می‌پردازیم به توضیحات این بازیگر برای انتخاب لباس بلوچی و نگاهی که به ایران دارد.

ادامه در صفحه ۱۰

سال‌های زیادی از فعالیت هنری‌اش می‌گذرد، اما نه حاشیه‌ای ایجاد کرده و نه برخلاف برخی تلاش کرده با حاشیه‌ها خودش را حفظ کند. مسیر خودش را رفته و هر جا هم توانسته برای کمک کردن به جامعه، فرهنگ‌سازی و... بی‌حاشیه و ادا عمل کرده است. او در جشن سینمایی - تلویزیونی حافظ که روز جمعه گذشته برگزار شد هم حضور پیدا کرد، حضوری متفاوت که عکس‌هایش را درست به دست در فضای مجازی چرخاند و تصویر تازه‌ای از پوشش يك هنرمند به مخاطبان ایرانی ارائه کرد. امین زندگانی که برخلاف اغلب بازیگران هرگز تسلیم عجیب و غریب پوشی نشده، با لباس مردان بلوچ پا به این جشن گذاشت تا



زینب مرتضایی‌فرد  
فرهنگ و هنر

## از نیشابور به مشهد با عشق

محمد رضا شفيعی کدکنی، شاعر و محقق نیشابوری، عوايد مادی تصحیح کتاب «تذکره الاولیا»ی عطار نیشابوری را به موسسه‌ای خیریه بخشید؛ حساب کرده‌ایم که حق‌التالیف استاد چقدر بوده و او با این کارش چه پیغام مهمی را مخابره کرده است؟



چند روز پیش در صفحه ۱۰ جام‌جم از

سفر محمد رضا شفيعی کدکنی به خراسان خبر دادیم و حرف‌هایش درباره ابوالحسن خرقانی و پاییز بدستامی و دیگر هم‌ولایتی‌هایش را نقل کردیم. حالا بعد از گذشت دوسه روز خبر رسیده که او طی سفرش به مشهد در جشن موسسه خیریه دارالاکرام که حامی

کودکان محروم از تحصیل است شرکت کرده و عوايد مادی تازه‌ترین تصحیحش یعنی کتاب تذکره الاولیای عطار نیشابوری، شاعر و عارف همشهری‌اش را به این موسسه اهدا کرده است؛ کتابی که انتشارش در روزهای برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در اردیبهشت گذشته به دوراز حاشیه هم نبود هم به خاطر قیمت نسبتاً بالايش یعنی حدود ۳۰۰ هزار تومان و هم به خاطر شایعه‌ای که شکل گرفت مبنی بر این‌که ناشر کتاب - یعنی سخن - از پخش کتاب در کتابفروشی‌ها جلوگیری کرده تا دست‌کم در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب، فروشنده انحصاری این کتاب که فروش همه نسخه‌هایش تضمین شده به نظر می‌رسید باقی بماند. البته مسؤولان انتشارات سخن همان موقع در گفت‌وگو با جام‌جم این شایعه را رد کردند. حاشیه اول هم که مربوط به قیمت کتاب می‌شد چندان بهره‌ای از منطق نبرده بود چون هم نوسانات عجیب و غریب نرخ کاغذ قیمت کتاب را توجیه می‌کرد و هم این‌که در روزهای برگزاری نمایشگاه، غرفه انتشارات سخن این کتاب را با تخفیفی ۱۵ درصدی، ۲۵۵ هزار تومان می‌فروخت. حالا با کاری که استاد محبوب دانشگاه تهران در مشهد کرده، این حاشیه‌ها و بحث‌ها کاملاً رنگ می‌بازد چون او که همواره فارغ‌الزاین محاسبات و حواشی به کار خود مشغول بوده، این بار هم ثابت کرد که کاری با این اعداد و ارقام ندارد. اما برویم حساب کنیم ببینیم او احتمالاً چقدر به موسسه خیریه دارالاکرام بخشیده، این موسسه دقیقاً چه کار می‌کند و ...



صابر محمدی  
ادبیات و هنر

### هرچی که دارم مال تو

۲۲ اردیبهشت بود که طی گزارشی در جام‌جم بنا بر محاسبه خبرگزاری ایپنا نوشتیم که غرفه انتشارات سخن چه تراکنشی را با فروش ۱۵۰۰ نسخه دوره دوجلدی تصحیح شفيعی کدکنی از تذکره الاولیای رقم زده است. ماجرا از این قرار بود: «با توجه به قیمت ۳۰۰ هزار تومانی (البته در نمایشگاه با قیمت ۲۵۵ هزار تومانی عرضه شد) این کتاب ۲۸۳ میلیون تومان عاید نشر سخن کرده است». خب تا حالا می‌دانیم که در ده روز برگزاری نمایشگاه کتاب تهران این کتاب ۳۸۳ میلیون فروخته است. برویم ببینیم در این دو ماه اخیر ناشر چند نسخه دیگر از کتاب را چاپ کرده و فروخته است. با دفتر انتشارات سخن تماس می‌گیریم و دوستان نشر خبر عجیبی به ما می‌دهند: می‌گویند پس از ۱۵۵ نسخه توزیع شده در نمایشگاه هنوز نتوانسته‌اند کتاب را به چاپ دوم برسانند. در پاسخ چرایی هم به معضل بازار کاغذ اشاره می‌کنند. می‌گویند حالا دو ماه است این کتاب در بازار موجود نیست و حالا شما حسابش را بکنید این کتاب، اثری است که فروشش به خاطر محبوبیت روزافزون کدکنی، تضمین شده است و انتشارش برای يك ناشر چندسرد محسوب می‌شود. بنابراین برگردیم به همان محاسبه اولیه خودمان که به روزهای برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران مربوط بود، یعنی همان ۲۸۳ میلیون تومان. البته می‌دانید که خب همه این رقم به جیب حضرت استاد واریز نمی‌شود و او درصدی را به عنوان مولف دریافت می‌کند. مسؤولان انتشارات سخن درباره چگونگی قرارداد با کدکنی برای این کتاب آماری نمی‌دهند، اما مرسوم است که قرارداد بین ناشران و مولفان در ایران بین حق ۱۰ تا ۲۰ درصدی تعیین می‌شود. اگر در نظر بگیریم که شفيعی کدکنی بالاترین رقم حق‌التالیف یعنی ۲۰ درصد را از سخن گرفته باشد، رقمی معادل ۷۶ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان دریافت کرده است. می‌گویند او ۴۰ سال برای تصحیح و مقابله نسخه‌های متعدد تذکره الاولیای و سامان دادن به این کتاب وقت صرف کرده که خب البته بدیهی است این گزاره حاوی مقادیر معتناهایی از اغراق هم هست چرا که طبعاً ۴۰ سال کار متمرکز و مداوم بر تذکره الاولیای نه نیاز بوده و نه شدنی. استاد طبعاً در طول ۴۰ سال و حین کار تحقیق بر بسیاری آثار دیگر، کار تذکره الاولیای را هم پیش می‌برده است.

### هدیه ۷۶ میلیونی

۱۵۰۰ جلد

تاکنون این تعداد از  
تذکره الاولیای با تصحیح کدکنی  
منتشر شده است

۳۸۳ میلیون تومان

رقم کل فروش کتاب است

۲۰ درصد

احتمالاً حق‌التالیف  
شفيعی کدکنی در نشر سخن،  
این قدر بوده است

۷۶ میلیون تومان

حق‌التالیف شفيعی که به  
موسسه خیریه بخشیده؛  
۴۰ درصد ۳۸۳ میلیون

